

خاطره ولنجک

نویسنده

علی رحمانی (نیرداد)

تهران - ۱۳۹۲

رحمانی (تیرداد)، علی ۱۳۲۶ - نویسنده

خاطره ولنچک / علی رحمانی (تیرداد)

تهران: کانی مهر، ۱۳۹۲

ISBN: 978-600-93784-0-1

۲۸۰ صفحه، مصور، نمایه

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. محله‌ها - - ایران - - تهران. ۲. ولنچک

۹۵۵/۱۲۲۲

۱۳۹۲ ۳ ۵۸۹۳ ۲۰۷۹ DSR

۳۱۳۶۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی

نام کتاب: خاطره ولنچک

موضوع: راهنمای گردشگری و خاطره‌های کوه‌پیمایی در ولنچک

نویسنده: علی رحمانی (تیرداد)

ناشر: کانی مهر تلفن: ۶۶۴۲۹۰۲۸-۹

ویراستار: مرضیه ذاکری Email: mzakeri1353@yahoo.com

حروفنگار: مائده حسینی

چاپ و صحافی: اسپید

چاپ نخست: تیرماه ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۸۴-۰-۱

شمارگان ۲۲۵۰ نسخه

قیمت ۱۷۰۰۰ تومان

مراکز فروش:

۱- نشر باغ، خیابان ولیعصر، روبروی پمپ بنزین باغ فردوس، تلفن: ۲۲۷۱۸۵۵۵

۲- کتابفروشی فردوسی، ضلع شمالی میدان تجریش، تلفن: ۲۲۷۱۰۶۴۳

۳- انتشارات آشتیانی، تجریش، شهید دربندی (مقصود بیگ)، شماره ۵۵، تلفن: ۲۲۷۱۶۴۰۲

این کتاب با سرمایه نویسنده به چاپ رسیده

و حقوق مادی و معنوی آن به وی تعلق دارد.

زندگینامه اجتماعی خودنوشت نویسنده

روز یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۲۶ (۶ ژوئیه ۱۹۴۷) در خیابان مولوی تهران به دنیا آمدم. در دوران تحصیل شاگرد ممتازی بودم. امتحان دیپلم ریاضی را در ۱۳۴۵ و کنکور دانشگاه را همان سال با موفقیت گذراندم. در ۱۳۴۹ از دانشکده حقوق دانشگاه تهران مدرک لیسانس علوم سیاسی گرفتم و در ۱۳۵۵ دوره فوق لیسانس را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه ملی ایران به پایان رساندم.

با اینکه به دلیل پزشکی (نزدیک بینی) و داشتن کفالت خانواده از انجام خدمت وظیفه معاف بودم، داوطلبانه به سربازی رفتم و در مرکز پیاده شیراز ستوان دوم شدم. از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ در دانشکده افسری ارتش به تدریس مشغول بودم و دو اثر تألیفی من «روابط بین الملل» و «حکومت»، کتاب درسی دانشجویان به شمار می رفت. از ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۱ در کادر سیاسی وزارت امور خارجه خدمت کردم که چهار سال آن (۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰) با مقام دبیر سوم و دبیر دوم سفارت ایران در آلمان، سه سال (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴) به عنوان معاون اداره اقتصادی اروپا و آمریکا و پانزده سال (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۱) در سمت کارشناس ارشد امور آلمان و مسائل اروپا در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی و مرکز برنامه ریزی راهبردی طی شد. از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۳ ضمن خدمت در وزارت امور خارجه، در دانشگاه عالی دفاع ملی در مقطع دکترای مدیریت استراتژیک تدریس کردم. در ۱۳۸۲ به عنوان بازنشسته نمونه معرفی شدم. اکنون به پژوهش، ترجمه، تألیف و نویسندگی مشغول هستم.

در زمینه ورزشی از ۱۳ سالگی کوهنوردی را شروع و طی بیجا سال به اغلب قله های بالای ۴۰۰۰ متری ایران صعود نمودم.

در ۱۳۵۶ ازدواج کردم که ثمره آن، یک پسر و یک دختر است.

فهرست

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۳
فصل اول - درباره ولنجک	۱۵
- تعریف ولنجک	۱۷
- جغرافیای ولنجک	۲۱
- موقعیت	۲۱
- حدود	۲۱
- زمین شناسی	۲۱
- زمین لرزه	۲۳
- روددره	۲۵
- قله ولنجک	۲۶
- بارش برف	۲۷
- کوه های بهمن خیز	۲۹
- توجال و راز چشمه های ولنجک	۳۰
- آلودگی هوا	۳۴
- محیط زیست	۳۶
- راه های ارتباطی	۳۸
- تاریخچه ولنجک	۳۹
- جایگاه ولنجک بین ری و مازندران	۳۹
- ولنجک بعد از ورود اسلام به ایران	۴۸

- ۵۰ زبان و گویش ساکنان ولنجک -
- ۵۱ دین و مذهب ساکنان ولنجک -
- ۵۵ ورود سادات به ولنجک -
- ۵۷ راه‌های مالرو بین ری و مازندران -
- ۵۹ ولنجک در دوران صفویه -
- ۶۰ ولنجک در دوره قاجاریه -
- ۶۳ صعود فتحعلی‌شاه به قله توچال -
- ۶۴ قصر محمدیه -
- ۷۹ مالکیت ولنجک -
- ۸۷ محله‌های ولنجک: -
- ۸۷ ولنجک قدیم -
- ۸۹ باغ فردوس -
- ۹۳ محمودیه -
- ۹۶ زعفرانیه -
- ۹۹ ولنجک جدید -
- ۱۰۳ نتیجه‌گیری -
- ۱۰۴ کوه‌پیمایی و کوهنوردی در ولنجک -
- ۱۰۴ تعریف‌ها -
- ۱۰۵ وقت مناسب برای کوه‌پیمایی -
- ۱۰۶ مسیرهای کوه‌پیمایی و کوهنوردی -
- ۱۰۸ مکان‌های کوهنوردی -
- ۱۰۸ پیاده‌روی در ولنجک -
- ۱۱۳ مجموعه تفریحی ورزشی تله‌کابین توچال -
- ۱۱۳ ۱- سازمان و مدیریت -

۱۱۴	۲- جاده سلامتی
۱۱۵	۳- بام تهران.....
۱۱۶	۴ - جاده خاکی
۱۱۷	۵ - تله کابین توچال
۱۲۷	۶ - تله سی یژ ولنجک
۱۲۷	۷- پیست اسکی توچال:
۱۲۷	الف - موقعیت
۱۲۸	ب - زمان بهره برداری
۱۲۸	ج - هوای پیست
۱۲۸	د - امکانات پیست
۱۲۹	ه - هتل توچال
۱۲۹	و - تاریخچه پیست
۱۳۲	۸ - درآمد و هزینه
۱۳۳	فصل دوم - خاطره ها
۱۳۵	- خاطره
۱۳۶	- محلی ناشناخته به نام ولنجک
۱۳۷	- اولین خاطره
۱۳۸	- بازدید مهمانان خارجی از ولنجک (۱، ۲، ۳)
۱۴۳	- کلاهی که استاد را از مرگ نجات داد
۱۴۶	- مرگ یک گردشگر سوئسی
۱۴۸	- بلایی که از کفش نامناسب به سرم آمد
۱۴۹	- حمله سگ های گله
۱۵۰	- خطر آذرخش (صاعقه)
۱۵۱	- سنگین ترین برف زمستانی

- ۱۵۲ سقوط بهمن از بالای چشمه -
- ۱۵۴ ظاهر غلطانداز یک کوه‌پیما -
- ۱۵۵ از قله تا سی‌سی‌یو -
- ۱۵۹ ماجرای یک ایست قلبی -
- ۱۶۱ از آی‌سی‌یو تا قله -
- ۱۶۳ خاطره تلخ پندآموز -
- ۱۶۴ یک صعود باورنکردنی -
- ۱۶۹ مرگ مرد روسی -
- ۱۷۰ کوه‌پیمایی در شب یلدا -
- ۱۷۲ پذیرش شکست -
- ۱۷۳ برخورد با کوه‌پیمای مبتدی -
- ۱۷۴ روزی که ولنجک قرق بود -
- ۱۷۷ سیزده‌بدر شوم -
- ۱۷۸ آخرین روز سال -
- ۱۸۰ نجات یک کوه‌پیما -
- ۱۸۲ کوهستان، بیمارستان من بود -
- ۱۸۴ جشن روز درختکاری -
- ۱۸۸ از خجالت به ولنجک نرفتم -
- ۱۹۰ آخرین رقابت در کوهنوردی -
- ۱۹۳ هر روز بدتر از دیروز -
- ۱۹۴ آنچه شنیدم -
- ۱۹۵ خطر مرگ سفید -
- ۱۹۷ جنگ با سرما -
- ۱۹۹ به کوه بروم یا نروم -

۲۰۰ - آخرین خاطره

فصل سوم - یادداشت‌ها ۲۰۱

۲۰۳ - یادداشت

۲۰۴ - آشنایی با ولنجک

۲۰۵ - آیین نخل گردانی در ولنجک

۲۰۶ - سخنرانی به مناسبت شب یلدا

۲۰۸ - از کهریزک تا ولنجک

۲۰۹ - سخنرانی به مناسبت روز جهانی سلامت

۲۱۱ - برگزاری مراسم روز جهانی دیابت

۲۱۸ - خانمی که مرا گدا پنداشت

۲۱۹ - سخنرانی به مناسبت جشن روز تولدم

فصل چهارم - نکته‌ها ۲۲۱

۲۲۳ - نکته

۲۲۴ - چقدر گمراه بودم من

۲۲۶ - مشاهده جریان آلودگی هوای تهران از کوه‌های ولنجک

۲۲۹ - آلودگی صوتی در ولنجک

۲۳۲ - سرنوشت غم‌انگیز گربه‌های ولنجک

۲۳۵ - سالمندی و کوه‌پیمایی

فصل پنجم - توصیه‌ها ۲۳۷

۲۳۹ - توصیه

۲۴۰ - برخورد با آدم‌های خیره‌سر

۲۴۳ الف - توصیه عمومی

۲۴۵ ب - توصیه به گردشگران

- ج - توصیه به کوه‌پیمایان و کوهنوردان ۲۴۶
- د - توصیه و پیشنهاد به مسئولان و مدیریت ۲۴۹
- پیشنهادها ۲۴۹

فصل ششم - افزوده‌ها بر متن ۲۵۳

- یاد برخی از جان‌باختگان ولنچک ۲۵۵
- انتقادهای ۲۵۷
- سخن آخر ۲۵۹
- اجبار پزشکی به ترک تهران ۲۶۱
- رکوردهای گینس شخصی ۲۶۵
- برای مطالعه بیشتر ۲۶۷
- نمایه ۲۶۹
- کتاب‌های منتشر شده نویسنده ۲۷۱
- جمعی از کوه‌پیمایان همیشگی ولنچک ۲۷۳ - ۲۷۶
- تصویرهایی از ولنچک ۲۷۷ - ۲۸۰

پیشگفتار

در زمستان ۱۳۸۹ تعداد ۱۸ نفر در کوه‌های شمال تهران جان خود را از دست دادند که مرگ ۸ نفر آنان به علت سکته قلبی بود. ولنجک به سبب فزونی کوه‌پیمایان آن نسبت به سایر نقاط، بیشترین تعداد آسیب‌دیده را داشت. من نیز به سبب نادانی و بی‌اطلاعی از مسائل پزشکی در کوهستان، در آذر ماه ۱۳۸۵ در ولنجک تا آستانه مرگ پیش رفتم.

پس از عمل موفقیت‌آمیز جراحی قلب باز، هنگام استراحت در بیمارستان به عنوان بزرگترین خاطره زندگی‌ام، جریان واقعه را نوشتم (خاطره از قله تا سی‌سی‌یو). آشنایان و دوستانی که آن را خواندند، پسندیدند و تشویق کردند تا سایر حوادثی را که طی سال‌ها کوهنوردی در ولنجک به‌خاطر دارم، روی کاغذ بیاورم. فکر تدوین این مجموعه از همان زمان به‌وجود آمد. البته انگیزه کار، مهم‌تر از همه، در اختیار گذاشتن تجربه سال‌های دراز کوه‌پیمایی‌ام برای جوانان بود. دختران و پسران ناآگاهی که با تله‌کابین به ارتفاع بالا می‌روند و بدون توجه به اختلاف درجه هوا و داشتن پوشاک مناسب و وسایل کافی کوه‌پیمایی می‌کنند و از هیچ سازمان یا نهادی هم آموزش‌های لازم را فرا نگرفته‌اند. با اینکه «انجمن پزشکی کوهستان ایران» در روزهای سرد زمستان برای حفظ سلامت و ایمنی کوهنوردان طی برنامه‌هایی در شبکه سلامت، فرهنگ و ورزش صدای ایران، هشدارهایی می‌دهد، ولی این کار کافی به نظر نمی‌رسد.

هر که پای به کوه می‌نهد، به‌ویژه در شرایط نامساعد طبیعت، باید از دانش و تجربه لازم برخوردار باشد. این کتاب اطلاعات فراوانی در این زمینه دربردارد و به نظرم مطالعه آن سودمند است. پس از نوشتن خاطره‌ها هنگام بررسی محتوای مطالب، پرسش‌هایی برایم مطرح شد که خاطره‌ها نتوانسته بودند پاسخگوی آن باشند. از جمله اینکه: معنای ولنجک چیست؟ این ناحیه چه وضع جغرافیایی دارد؟ تله‌کابین توجال چگونه احداث شد؟ مجموعه تفریحی ورزشی تله‌کابین توجال چطور اداره می‌شود؟ برای یافتن جواب این گونه سؤال‌ها مجبور به مطالعه

برخی منابع، پژوهش میدانی و مصاحبه با برخی از دست‌اندرکاران شدم. کار دشواری بود، زیرا اطلاعات بسیار محدود بود و امکان دسترسی به کسانی که در احداث تأسیسات ولنجک مشارکت داشتند، وجود نداشت. به هر حال تلاش‌های لازم صورت گرفت و پاسخ بسیاری از پرسش‌ها به دست آمد. بنابراین «خاطره ولنجک» فقط خاطره نیست، بلکه شرح تاریخ و چگونگی شکل‌گیری ولنجک و مهم‌ترین حوادث کوه‌پیمایی است که در آن روی داده است.

ولنجک، آسان‌ترین مسیر برای رسیدن به قله توجال است و بیشترین مرگ‌ها و آسیب‌های جسمی را در بین کوه‌های شمال تهران دربردارد. از آنجا که سال به سال به تعداد گردشگران و کوه‌پیمایان در ولنجک افزوده می‌شود، آگاهی دادن به آنان از خطرهایی که در پیش‌رو دارند، خدمتی است که امیدوارم توفیق انجامش را داشته باشم و آن را یک انگیزه ملی برای نوشتن این کتاب می‌دانم.

از جناب آقایان دکتر داریوش جاویدی - فوق تخصص جراحی قلب و عروق - دکتر مسعود اسلامی - متخصص قلب و عروق، فوق تخصص الکتروفیزیولوژی و پیس میکر - و دکتر محمدعلی گوگانی - متخصص بیماری‌های غدد مترشحه داخلی - سپاسگزارم. آنان مرا که به اشتباه رفته بودم، راهنمایی کردند که به شیوه درست تغذیه و ورزش بازگردم، وضع خود را بهبود بخشم و به ادامه زندگی سالم امیدوار شوم.

از ویراستار محترم کتاب، سرکار خانم مرضیه ذاکری که «خاطره ولنجک» را با زحمت ویرایش کردند، نیز نهایت امتنان را دارم.

تردید نیست که برخی از کوه‌پیمایان و گردشگران ولنجک، هر یک در بعضی از موضوع‌ها با من هم‌نظرند و شاهی بر آنچه نوشته‌ام می‌یابند.

از خوانندگان گرامی به خاطر تعریف‌ها و خودستایی‌هایی که در برخی موارد از روی صداقت به عمل آورده‌ام و یکی از شرایط لازم برای خاطره نویسی است، پوزش می‌طلبم.

نویسنده امیدوار است جوانان کشور عزیزمان با مطالعه این مجموعه، از هر خاطره و نکته تجربه‌ای بیاموزند و آن را برای حفظ سلامت خود به کار گیرند.

مقدمه

این کتاب، مجموعه خاطره‌های کوهنوردی نویسندگان در ولنجک است. اگر در مواردی به محله ولنجک اشاره شده، به خاطر معرفی ناحیه‌ای است که بر سر راه کوه‌پیمایی قرار دارد. زمان ثبت خاطره‌ها به طور فشرده دهه ۱۳۸۰ می‌باشد، ولی خاطره‌های پراکنده سه دهه قبل از آن را نیز دربرمی‌گیرد. من با نوشتن «خاطره ولنجک»، برخی از رویدادهای تلخ و شیرین دوره میان‌سال‌های زندگی خود را ثبت کردم. مطالعه هر خاطره برای کوه‌پیمای جوان یک تجربه است، ولی برای دیگر خوانندگان آن، دست کم می‌تواند یک سرگرمی باشد.

ذهن من پر از خاطره‌های کوه‌پیمایی در ولنجک است. اگر بخواهم همه آنها را روی کاغذ بیاورم، چند صد صفحه می‌شود و از حوصله مطالعه خوانندگان خارج است. خاطره‌هایی را که به نظر من جالب، تجربه‌آموز و قابل توجه می‌رسید، در این مجموعه آوردم. از آنجا که به خاطر آوردن دقیق حوادث زمان گذشته برایم مشکل بود، بیشتر به نوشتن آنهایی پرداختم که طی سال‌های اخیر روی داد و از آن یادداشت برداشته بودم. در این نوشته‌ها، من لحظه‌های واقعی زندگی‌ام را با خواننده در میان می‌گذارم. شما حق دارید مرا تحسین کنید یا مورد نکوهش قرار دهید. با نهایت فروتنی دست آنهایی را می‌بوسم که مرا در لحظه وقوع حوادث درک کنند و فقط خود را هنگامی جای من بگذارند که از تجربه کوه‌پیمایی در شرایط مختلف آب و هوایی برخوردار بوده و دانش لازم در مسائل مربوط به طبیعت مانند بهمن، صاعقه و سرما را داشته باشند.

من هیچ خاطره‌ای را برجسته نمی‌کنم و به حوادثی که روی داده، شاخ و برگ نمی‌دهم. هر یک را همان‌طور که اتفاق افتاده، برایتان می‌نویسم، زیرا به نظر من این شکل خاطره‌نویسی بیشتر به دل می‌نشیند.

هدف من از بیان این خاطره‌ها، فقط شرح حوادث نمی‌باشد. آنها را برای خودم هم ننوشته‌ام، بلکه قصد داشتم، حالا که این همه با عناصر طبیعت مانند برف و بوران، درگیر شدم، به زحمت افتادم و دردسر کشیدم و حتی تا پای مرگ پیش

رفتم، تجربه‌هایم را در اختیار دیگران قرار دهم تا به‌ویژه جوانان با مطالعه این خاطره‌ها، آموزش‌های لازم را در برخورد با هر حادثه‌ای در کوه فراگیرند و سالم بمانند. همه خوانندگان تشویق شوند که سلامت خود را با طبیعت پیوند بزنند. از فرصت‌های مناسب بهره جویند و با گسترش روابط اجتماعی، افسردگی را از خود دور سازند. سالم پیر شوند و دردهای مفصلی، عضلانی و عصبی نکشند. از آنجا که هر خاطره در مورد واقعه‌ای که حادث گردیده، نوشته شده است، برایش عنوانی در نظر گرفته‌ام تا خواننده بتواند آسان‌تر به آن رجوع کند.

«خاطره ولنجک» بدون تعریف جامعی از ولنجک و محیطی که این خاطره‌ها در آن شکل گرفت، ناکافی بود. از آنجا که مهم‌ترین نماد گردشگری ولنجک تله‌کابین توجال می‌باشد، لازم به معرفی و تاریخچه ساخت آن بود. نوسازی مجموعه تفریحی ورزشی تله‌کابین توجال، موجب افزایش گردشگری و استقبال جوانان و خانواده‌ها برای سهری کردن وقت فراغت خود در این مجموعه گردید. مطالب بسیاری روی دستم مانده بود که نمی‌شد آنها را در قالب «خاطره» گنجاند. از این رو پس از نوشتن خاطره‌ها، این مطالب به واقع مفید را تحت عنوان «یادداشت‌ها»، «نکته‌ها» و «توصیه‌ها»، با اطمینان از اینکه ارزش خواندن را دارند، به کتاب اضافه کردم. با اینکه می‌بایست خاطره‌ها به زبان عامیانه بیان می‌شد، بنا به نظر ویراستار اکثر آنها به زبان ادبی آمده است. در فصل پایانی توصیه‌هایی به عمل آورده‌ام که توجه به آن می‌تواند گردشگران و کوه‌پیمایان را از گزند حوادث در امان نگه دارد.

اعتراف می‌کنم که نظر به ملاحظه نام بعضی افراد و خانواده‌ها در برخی از نوشته‌هایم خودسانسوری کردم و تمام آنچه را که طی سال‌های دراز دیده و شنیده بودم، صلاح ندیدم بنویسم تا مورد گله و شکایت احتمالی آنها واقع نشوم و به دردسر نیفتم. از این لحاظ «خاطره ولنجک» محرمانه‌هایی نیز دارد که نظر به مصلحت عمومی نمی‌توانم آنها را فاش کنم.

امیدوارم توانسته باشم رضایت‌خاطر خوانندگان را فراهم آورده و در پیشبرد ورزش کوهنوردی و گردشگری در طبیعت سهمی، اگرچه اندک، ایفا کرده باشم.